Theories and criticism in Arabic literature

The Fourth Year ,Number 14 ,Summer 1403

Pp:1 - 20

Research Paper

DOI: 10.22034/JRAL. 2025.563645.1085

Critical Discourse Analysis of the Ideological Problem of Oil in Abdolrahman Monif's Novel "Modon al-Melh" Based on the Model of Norman Fairclough

Hossein Hadidi [1]

Mehrdad Aghaei [2]

(Received: 2025.12.02 ,Accepted: 2025.12.27)

Abstract

Discourse analysis is a method that examines texts and linguistic, social and cultural characteristics to examine the original texts. Dominance and ideology are important levels of discourse in Norman Fairclough's view. Saudi Arabia is the world's largest source of oil and natural gas. Abdul-Rahman Monif is a Saudi ideological writer who, in his writings, sought Arab unity and the defense of his land against various kings, as if he promised the awakening of the Arab nation, and in his novels, especially Modon al-Melh. The issue of oil is of particular interest. Oil is like a cohesive element in the novel Modon al-Melh, and Monif calls the people to confront the tyrannical king in the city of Moran and Harran. This study aims to investigate Modon al-Melh novel in all aspects related to the concept of discourse analysis in the ideological issue of oil, using a descriptive-analytical method to analyze the position of oil in the novel and the position of this element and its main role in three levels of Norman Fairclough discourse analysis. Pay. Among the results of this research are that Monif at the level of description by using repetitive words or concepts, place, activating the position between words to explain his thoughts, and at the level of interpretation by using proportion and situational context to explain theories and express the oil trend in Saudi Arabia has paid.

Keywords: Novel, Critical Discourse, Oil, Abdul Rahman Monif, Modon al-Melh, Firklarf Model.

---

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran, Email: hadidi660@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, Email: M.aghaei@uma.ac.ir (Responsible author)

© The Author(s). **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الرابعة، العدد 14، صيف 1403

صص: 20 -1

DOI :10.22034/JRAL. 2025.563645.1085

تحلیل گفتمان انتقادی مسأله ایدئولوژیک نفت در رمان «مدن الملح» عبدالرحمن منیف بر اساس الگوی نورمن فرکلاف

حسین حدیدی [۱]

مهرداد آقائی [۲]

(تاریخ دریافت: 1404.09.11، تاریخ پذیرش: 1404.10.06)

چکیده

تحلیل گفتمان روشی است که برای بررسی اصل متون به پژوهش درباره متون و ویژگی‌های زبانی و اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. سلطه و ایدئولوژی از سطوح مهمّ برای گفتمان در دیدگاه نورمن فرکلاف است. عربستان سعودی به عنوان بزرگترین منبع نفت و گاز طبیعی جهان به شمار می‌رود. عبدالرحمن منیف رمان‌نویس عربستانی‌تبار است که در نوشته‌های خود به دنبال وحدت عرب و دفاع از سرزمین خویش در برابر پادشاهان جور پیشه بوده، گویی که او نویدبخش بیداری ملّت عرب است و در رمان‌های خود بخصوص در رمان«مدن الملح» به موضوع نفت توجّه ویژه‌ای دارد. نفت همانند عنصری منسجم در رمان مدن الملح است و منیف مردم را به مقابله با پادشاه مستبدّ در شهر موران و حرّان فرا می‌خواند. این پژوهش با هدف بررسی رمان مدن الملح در تمامی جوانب مرتبط با مفهوم تحلیل گفتمان در مسأله ایدئولوژیک نفت، با روش توصیفی- تحلیلی، به تحلیل جایگاه نفت در رمان و موقعیّت این عنصر و نقش اصلی آن در سه سطح تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف می‌پردازد. از جمله نتایج این پژوهش اینکه منیف در سطح توصیف به کاربرد واژگان یا مفاهیم تکراری، مکان، فعّال‌سازی جایگاه میان الفاظ برای تبیین اندیشه‌اش، و در سطح تفسیر به کاربرد تناص و بافت موقعیتی برای تبیین نظریات و بیان روند نفت در عربستان سعودی پرداخته است.

واژگان کلیدی: رمان، گفتمان انتقادی، نفت، عبدالرحمن منیف، مدن الملح، الگوی فرکلاف.

---

1. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ایمیل: hadidi660@gmail.com

2. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، ایمیل: M.aghaei@uma.ac.ir (نویسنده مسئول)

© حق مولف نویسندگان ناشر: دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

رمان در دنیای امروزی نقش بیدارگری را ایفا می‌کند که بسیاری از حکام مستبد از روند رو به رشد آن هراس دارند؛ بنابراین، بیشتر رمان‌نویسان در کشور خود دچار مشکلات متعددی همچون زندان و تبعید و گاهی اعدام می‌شوند. برای همین است که در کشورهایی که خفقان بر آن حاکم است تعداد رمان‌نویسان به تعداد انگشتان دست است؛ چرا که مردم خفته با خواندن رمان از خواب غفلت و جهل بیدار می‌شوند و این برای سلطه حاکم خطرناک و خطرآفرین است. به خصوص رمان‌نویسان عربی که اکثر رمان‌هایشان رنگ و بوی سیاسی دارد. عبدالرحمن منیف نیز از جمله رمان‌نویسان معاصر مشهور عربستانی است که نقش برجسته‌ای در جریانات سیاسی و اقتصادی کشور خود داشته است. «او نویسنده‌ای متعهد به مسائل انسان معاصر عربی است که شرایط سیاسی و اجتماعی و روانی محیط زندگانی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. او دست مخاطب رمان خود را گرفته و به آغاز قرن بیستم میلادی می‌برد تا چگونگی مراحل تشکیل شهرهای سریع در بیابان و تبدیل صحراء به شهرهای نفتی صنعتی و تأثیرات آن را نشان دهد. او چگونگی تغییر ارزشها و روابط و رکود و نوسان را بر شخصیت‌های رمان در کیفیّت ایستادگی‌ها بر هر نوع مدرن‌سازی به نمایش می‌گذارد؛ سپس سلطه شرکت‌های نفتی انگلیسی و آمریکایی بر صحراء یا به عبارت دقیق بر انسان را به خواننده رمان تصویرسازی می‌نماید» (ربابعۀ و الزغلول، 1382: 140). درباره سبک ادبی عبدالرحمن منیف می‌توان گفت «زبان نوشتاری منیف در بردارندۀ مادّه‌ای زنده و ارزشمند است؛ بدین معنا که او به عوامل تاریخی و جغرافیایی و ایدئولوژیک و فرهنگی و سیاسی توجّه ویژه‌ای دارد، تا جایی‌که می‌توان کیفیت شکلگیری این طبقه‌های زبانی مختلف را در داستان‌هایش دید» (النابلسی، 1991: 22). عبدالرحمن منیف نویسنده‌ای ایدئولوژیک، با اعتقاد به وحدت عرب، و آزادی آن و سوسیالیست عربی است که بیشتر رمان‌هایش آمده تا اندیشه‌هایی را بشارت دهد که علّت اصلی در جنگ عربی- عربی از زمان انقلاب مصر 1952م تاکنون بوده است. بنابراین، عبدالرحمن منیف نویسنده‌ای خودمحور نیست که برای آرامش روحی مخاطبان بنویسد و آنها را سرگرم کند، بلکه او تلاش می‌کند که چهره‌شان را در آیینه به آنها نشان دهد. شخصیّت‌های رمان او خودشان از خودشان دفاع می‌کنند و بخاطر آزادی می‌جنگند و در زندان با باورها و اعتقادات خود می‌میرند (همان، 35). عبدالرحمن منیف در رمان‌های خود با لحنی تند و مستقیم مسائل مربوط به پیرامون خود و دیگران را به بوته نقد کشیده و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تحلیل گفتمان پدیده‌ای متعلق به پژوهش‌های ساختاری و زمینه‌های متداخل است که با قضایای مختلفی در رشته‌های مختلف علمی و تخصّص‌ها همانند زبانشناسی و پژوهش‌های ادبی، سبک‌شناختی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ مرتبط است (ون‌دایک،1394: 13). تحلیل انتقادی گفتمان از جدیدترین رویکردها است که به بررسی وظیفه زبان در جامعه و سیاست می‌پردازد و به همین خاطر زبان را در ارتباطش با ایدئولوژی و سلطه و تاریخ و جامعه در سطح متون مکتوب و منطوق مورد بررسی قرار می‌دهد (ناظمیان، 1395: 158). در آغاز قرن بیستم میلادی، اکتشاف نفت به عنوان مادّه‌ای دارای اهمیّت اقتصادی ویژه برای حکومت‌های صنعتی بود که نتیجه آن با رقابت آمریکایی- انگلیسی آغاز شد؛ زیرا استراتژی آمریکا از سیاست مراقبت و انتظار پس از آن به سیاست ورود به جنگ و درگیری به خاطر نفت تبدیل شد. کشورهای عربی تقریباً یک سوم ذخایر نفتی دنیا را در اختیار دارند (رشید، 2015: 201). این پژوهش بر دو محور انجام شده است: نخست: محور افقی که در آن به تبیین مفهوم ایدئولوژی نفت در رمان پرداخته شده و همچنین کلمه گفتمان بنابر نظریه نورمن فرکلاف اساس کار بوده و با استقراء از دستاورد غربی‌ها و عرب‌ها درباره مفهوم گفتمان و تحلیل آن انجام شده است و دوّم: محور رأسی که در آن به بررسی و تحلیل نمونه‌های عینی از رمان خماسیه مدن الملح می‌پردازیم.

1-1. سؤالات پژوهش

این پژوهش سعی دارد با تحلیل و نقد رمان مدن الملح بر اساس گفتمان انتقادی فرکلاف به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- **چند نوع از سطح گفتمان در رمان مدن الملح مطرح است؟**
- **چه رابطه‌ای بین نفت و کارکرد آن در رمان مدن الملح وجود دارد؟**
- **رویکرد عبدالرحمن منیف در برابر ایدئولوژی نفت چیست؟**

1-2. پیشینهٔ پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده تاکنون پژوهشی درباره بررسی مسأله ایدئولوژیکی نفت در رمان مدن الملح عبدالرحمن منیف انجام نشده است. به تعدادی از پژوهش‌ها که مرتبط با موضوع بحث است اشاره می‌شود:

- معصومه شبستری و احمدرضا عابدی (1390) در مقالهٔ «البناء الفني في خماسية «مدن الملح» الروائية لعبدالرحمن منيف» **که در مجله ادب عربی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است، اذعان می‌دارد که این مقاله با هدف برجسته کردن جنبه‌های هنری مجموعه رمان پنج قسمتی عبدالرحمن منیف، «شهرهای نمک»، مانند سبک، زبان، شخصیت‌پردازی و ابعاد مکانی و زمانی، تدوین شده است. همچنین برخی از مسائل هنری که منیف در ساخت اثر پنج قسمتی خود به کار گرفته است، از جمله: تکمیل معنای روایی در هر بخش، توالی پنج بخش، تنوع در کیفیت روایی بین بخش‌ها و ارتباط آن با واقعیت، و عناوین بخش‌ها و معانی ضمنی آنها را بررسی می‌کند.**

- یداله احمدی ملایری (1390) در مقاله «صورة الآخر العربي/ الفارسي في الروايتين الفارسية و العربية: أحمد محمود و عبدالرحمن منيف نموذجا» **که در مجله ادب عربی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است، بیان می‌کند که این مطالعه تطبیقی در پی آن است که تصویر «دیگری» عرب و ایرانی را در رمان‌های احمد محمود، رمان‌نویس ایرانی، و عبدالرحمن منیف، رمان‌نویس عرب، روشن کند و دستاوردهای مکاتب آمریکایی و اسلاوی را به عنوان سازوکاری برای برجسته کردن نقاط اشتراک و افتراق در تصویرسازی آنها از تصویر «دیگری» در نظر بگیرد. این دو نویسنده تصویری از دیگری ترسیم می‌کنند که جنبه‌های منفی و مثبت برخی از روابط ایران و اعراب را به شکلی عینی و به دور از تحریف آشکار می‌کند، که شرطبندی بر سر آینده روابط را به شرطی معقول تبدیل می‌کند.**

- عباس گنجعلی و همکاران (1393) در مقالهٔ «کارکرد انتقادی درون‌مایه در رمان «فرجامها» اثر عبدالرحمن منیف» که در مجله علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی به چاپ رسیده است اظهار می‌کنند که این پژوهش با هدف بررسی جامع مضامین مهم رمان -که به صورت استعاری ارائه شده‌اند و بسیاری از آنها در اندیشه‌های شخصیت‌های رمان منعکس شده‌اند- و با مروری کوتاه بر شخصیت منیف، رمان‌نویس مشهور، و نقش او در توسعه رمان عربی، انجام شده است. این مضامین افکار و تمایلات نویسنده آن را آشکار می‌کنند، انرژی نهفته و فرهنگ عالی منیف که ناشی از تجربیات سیاسی او و همچنین تخصص او در زمینه حقوق و علوم نفت بود، محتوای اساسی سطح بالایی را برای آثار داستانی او ایجاد کرد و او را قادر ساخت تا رمان خود را به شکلی انتقادی و اصلاح‌طلبانه ارائه دهد تا تأثیر عمیق‌تری بر خواننده داشته باشد.

- کمال باغجری و همکاران (1400) در مقالهٔ «خوانش پسااستعماری پنج‌گانهٔ مدن الملح از دریچهٔ نظریهٔ چندآوایی باختین»که در مجله ادب عربی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است به این نتیجه رسیده‌اند که دو نظریهٔ پسااستعماری و چندصدایی (پولیفونی) از جهت واکاوی گفتمان تک‌صدای قدرت، پیوندی نزدیک با یکدیگر دارند. در حالی‌که میخائیل باختین رمان چندصدایی را جهانی هزارتو و رنگارنگ و عرصه‌ای برای پژواک آواهای گوناگون می‌داند، نظریه‌پردازان پسااستعماری نیز می‌کوشند سویه‌ها و مؤلفه‌های سلطه‌گریِ هژمونیک متون ادبی را بکاوند و صدای مردمانِ درحاشیه و فرودست را موضوع نقد ادبی قرار دهند. منطق مکالمه‌ای و نظریهٔ چندصدایی میخائیل باختین، به‌دلیل کاربستش در تبیین مؤلفه‌های سلطه‌گری و تک‌صداییِ قدرت مطلقه، می‌تواند افق‌های نوینی در حوزهٔ مطالعاتی پسااستعماری بگشاید؛ عبدالرحمن منیف در پنج‌گانهٔ مدن‌الملح، با ارائهٔ آواها و گفتمان‌های مختلف و گونه‌های الحاقیِ برگرفته از سنت فکری و فرهنگیِ عربی- اسلامی، گفتمان مسلط استبداد/ استعمار را وارد منطق مکالمه‌ای کرده و مشروعیت برساختهٔ آن را با قراردادن در کنار پادگفتمان‌های هم‌ارز، از کار انداخته است.

- کمال باغجری و همکاران (1402) در مقالهٔ «خوانش پسااستعماری پنج‌گانهٔ مدن الملح از دریچهٔ نظریهٔ کارناوالیسم میخائیل باختین» که در مجله نقد ادب معاصر عربی دانشگاه یزد به چاپ رسیده است بیان کرده‌اندکه دو نظریهٔ پسااستعماری و کارناوالیسم، از جهت واکاوی پادگفتمان‌ها و سازمایه‌های مقاومتِ زبانی در متن ادبی، پیوندی نزدیک با یکدیگر دارند. در حالی‌که نظریه‌پردازان پسااستعماری می‌کوشند سویه‌ها و مؤلفه‌های سلطه‌گریِ هژمونیکِ متون ادبی را بکاوند و صدای مردمانِ درحاشیه را مبنای نقد ادبی قرار دهند، میخائیل باختین نیز عناصر کارناوالیته را به‌عنوان سازوکاری برای بی‌اعتبارسازیِ گفتمانِ تک‌صدای قدرتِ مطلقه و بروز نوعی چندصدایی، در ساختارهای استبدادی، مطرح می‌کند. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو، با تکیه بر مفروضات نظریهٔ کارناوالیسم باختین، می‌کوشد مؤلفه‌های این نظریه از جمله: جشن‌های کارناولی، آیرونی، گروتسک و دستگاه جوک‌سازی را در پنج‌گانهٔ مدن الملح (شهرهای نمک) اثر عبدالرحمن منیف، که روایتی است شبه‌تاریخی از فرآیند پیدایش نفت در شبه‌جزیرهٔ عربستان و دگردیسی رویکرد استعمار (از شیوهٔ کلاسیک به نو)، بکاود و کارکردِ آن را در ارائهٔ پادگفتمان‌های متعارض و بی‌اعتبارسازی گفتمان تک‌صدایِ قدرت، واکاوی کند.

2. چهارچوب نظری

2-1. تحلیل گفتمان

در کتاب لسان‌العرب در مادّه «خ ط ب» آمده است که گفتمان همان مراجعه کلام میان دو طرف یا بیشتر در مقام تواصل است (ابن‌منظور،1994: مادّهٔ خطب) و کلمه گفتمان (discourse) از اصل لاتین (discours) و فعلش (discurure) مشتق می‌شود و معنایش جاری بودن است همانطور که کلمه گفتمان از جدل (Dialectique) سخن می‌گوید (الزواوی،2004: 89). تحلیل گفتمان (Discourse analysis) که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار، نیز ترجمه شده است. یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دههٔ 60 تا اواسط دههٔ 70 میلادی در پی تغییرات گستردهٔ علمی- معرفتی در رشته‌هایی همچون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خُرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این گرایش، به دلیل بین رشته‌ای بودن، خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات، و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد. اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال 1952 در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار رفته است. تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند. در مدت نسبتاً کوتاهی(نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشو، و دیگر متفکّران برجسته‌ی مغرب زمین وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت. این اندیشمندان که تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل انتقادی گفتمان «Critical Discourse analysis» بسط و گسترش دادند خود وامدار مکتب انتقادی فرانکفورت و وارثان مستقیم و غیرمستقیم آن در دههٔ 1960 میلادی مارکسیست‌های جدید، به ویژه گرامشی و پیروانش ساختارگرایانی چون آلتوسر و محققان مکتب فمنیسم بودند. مفهوم گفتمان، امروزه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب زمین درآمده و با مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و غیره عجین گشته است.

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد جدیدی در مطالعات کلامی است که در سال‌های اخیر به وجود آمده و ریشه در آراء میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی دارد. این نوع تحلیل، نحوه استفاده غیر مشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات، که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاصی صورت می‌گیرد و یا در برابر آن

ایستادگی می‌شود را بررسی می‌نماید. اینکه چگونه روابط اجتماعی، هویّت، دانش و قدرت، از طریق متون نوشتاری و گفتاری ایجاد می‌شوند و یا اینکه مؤسسات و نهادهای اجتماعی‌ای چون مدرسه و دانشگاه، به وسیله و از طریق گفتمان، چگونه شکل گرفته‌اند و می‌گیرند، از مباحث اصلی تحلیل گفتمان انتقادی به شمار می‌آیند. تحلیل‌گر انتقادی بر آنست تا ساز و کار عدم مساوات اجتماعی نهفته در لایه‌های زیرین گفتمان را کشف کرده و نشان دهد و آگاهی لازم و کافی برای افراد جامعه مورد نظر را فراهم آورد؛ تا با فراهم آمدن زمینه و ساز و کار توزیع عادلانه بهره‌گیری مطلوب از ساختارهای گفتمان‌مدار، توسط آحاد افراد جامعه در جهت تحقّق عدالت اجتماعی گام‌هایی برداشته شود (یارمحمدی،1383: 4). تحلیل گفتمان انتقادی به تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌پردازد که نوشتار و گفتار گروه‌ها و نهادهای مسلّط، چگونه از قدرت، سوء استفاده کرده و بدان مشروعیت می‌بخشند. این نوع تحلیل، مشکلات اجتماعی را مورد توجّه قرار داده و مفاهیمی چون طبقه، جنسیت، فمنیسم، نژاد، هژمونی، منافع، عدالت، نابرابری و ... را بررسی می‌کند (ون دایک، 1394: 349).

گفتمان‌کاوی انتقادی، که اساساً بایستی به ابعاد گفتمانی سوء استفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن بپردازد، برخلاف دیگر رهیافت‌های گفتمان‌کاوی، هدف گفتمان‌کاوی انتقادی عمدتاً ارائه یک روش، انگاره، مکتب یا نظریه‌ی گفتمانی ویژه نبوده؛ بلکه اساساً به بررسی مسائل مهمّ اجتماعی راغب است و می‌کوشد تا از طریق تحلیل گفتمان، درک بهتری از آن‌ها ارائه دهد. تحلیل‌گران انتقادی از طریق درک انتقادی، درصدد تغییر اوضاع بوده و هدف انتقاد آن‌ها نخبگان قدرت هستند؛ که بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی را اعمال کرده و تداوم می‌بخشند و یا به آن به دیده‌ی اغماض نگریسته و آن را نادیده می‌گیرند (همان، 182).

2-2.کارکرد نفت در رمان

از زمان اکتشاف نفت در سرزمین‌های عربی، این سرزمین‌ها جولان‌گاهی برای درگیری‌های بین‌المللی به خاطر سیطره بر آن شد. اهمیّت نفت عربی به دنبال جنگ جهانی دوّم افزایش یافت و از سال 1980 سرزمین‌های پیشرفته ثروتمندتر شده و دموکراسی در آن ملموس‌تر و سلامتی بیش از پیش شد، اما در کشورهای نفت‌خیز از خاورمیانه گرفته تا آفریقا و آمریکای لاتین، مردم از ثروت و دموکراسی و سلامتی بی‌بهره بودند و برخی از آنها در حقیقت شرایط بدتری داشتند و بسیاری از کشورهای تولید کننده نفت –مثل الجزائر، آنگولا، کلمبیا، نیجریه، سودان و عراق از جنگ‌های داخلی در طول دوره زمانی رنج می‌بردند که در پشت آن جنگ‌ها آثار زخم‌هایی بهبود نایافتنی دیده می‌شد (روس،2014: 27). اکتشاف نفت در عربستان سعودی اولین نقطه رقابت میان شرکت‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی شد. عربستان سعودی اولین قرارداد نفتی خود را در سال 1923 میلادی منعقد کرد که به قرارداد هولمز مشهور شد (سعید،1982: 77). بنابراین، برخی از نویسندگان همچون عبدالرحمن منیف به نوشتن رمان‌های سیاسی و اجتماعی پیرامون این عنصر اقتصادی پرداختند.

3-2. زندگی ادبی عبدالرحمن منیف

عبدالرحمن منیف در شهر عمان أردن سال 1933 میلادی از پدری عربستانی و مادری عراقی به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در عمان، در سال 1952 به دانشکده حقوق دانشگاه بغداد پیوست، در آنجا به فعالیت‌های سیاسی مخالفانه پرداخت که منجر به اخراجش در سال 1955 میلادی شد. سپس تحصیلات خود را در دانشگاه قاهره از سر گرفت و در سال 1958 به یوگسلاوی سفر کرد و تحصیلاتش را در دانشگاه بلگراد ادامه داد. او در سال 1961 میلادی مدرک دکتری رشته اقتصاد گرفت و رشته تخصصی‌اش اقتصاد نفت، قیمت و بازار است (القاسم،2005: 18). پس از کسب مدرک دکتری برای کار در شرکت نفتی به سوریه بازگشت و در سال 1973 به لبنان رفته و در مجله «البلاغ» کار کرد و سپس به عراق مسافرت کرده و مدیریت تحریریه مجله «النفط و التنمية» **را به عهده گرفت تا اینکه در سال 1981 عراق را به مقصد فرانسه ترک کرد و به کار ادبی مشغول شد. در سال 1986 دوباره به سوریه بازگشت و تا روزهای آخر زندگی‌اش در دمشق مقیم بود و در هیئت تحریریه مجله کتاب فرهنگی مشارکت داشت. او به نوشتن رمان قطور«مدن الملح» که از پنج جزء «التیه»، «الأخدود»، «تقاسیم اللیل و النهار»، «المُنبت» و «بادیهٔ الظلمات» تشکیل یافته است، پرداخت.**

3. پردازش تحلیلی موضوع

فرکلاف سه سطح از گفتمان را بر اساس شرایط اجتماعی تولید متن ارائه می‌دهد که عبارتند از: الف) توصیف: مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن ارتباط دارد. در این زمینه ده سؤال در زمینه‌های واژه و گرامر و منابع متنی مطرح می‌شود. ب)تفسیر: به رابطه‌ی بین متن و تعامل و به مشاهده‌ی متن به عنوان محصول فرآیند تولید و همچون منبع در فرآیند تفسیر دلالت دارد. در این قسمت به بافت موقعیّت و بینامتنیت و انواع گفتمان نظر دارد. ج)تبیین: به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و در واقع به تعیین اجتماعی فرآیندهای تولید، تفسیر و تأثیرهای اجتماعی آنها مرتبط است. و در این قسمت عوامل اجتماعی و ایدئولوژی مورد استفاده سؤال می‌شود (فرکلاف، 1379: 125). بررسی و تحلیل داده‌ها در این رمان بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی «ایدئولوژی، تبیین، بافت موقعیّتی و بافت متنی» صورت می‌پذیرد.

3-1. توصیف

در این مرحله متن را در برابر متون مختلف و عرصه‌ها و شرایط سیاسی بررسی می‌نماید. مجموعه‌ای از ویژگی‌های تصویری را در یک متن می‌یابد، و آن می‌تواند با اختیارات ویژه‌ای از بین انتخاب‌های مرتبط با کلمات

و قواعد موجود به شمار آید که متن از آن استفاده می‌کند. این تحلیل همان انتراعی بودن متن است. سؤال‌هایی که در این سطح مطرح است: چه ارزش تجربی برای واژگان وجود دارد؟ چند نوع از روابط معنایی برای ایدئولوژی میان الفاظ است؟ (فرکلاف،1379: 167). و در واقع این سطح درباره بافت بیرونی متن از منظر ساختارگرایی و زبان شناسی بحث می‌کند که به سطوح آن در زیر می‌پردازیم:

2-3. بافت بیرونی متن

رمان بر اساس تجربه زبانی بنا نهاده می‌شود و سنگ بنای اصلی آن همان واژگان هستند. رمان مدن الملح دارای اثری سیاسی و اجتماعی است که این رمان را در برابر رمان واقع‌گرا قرار می‌دهد که به توصیف حوادث واقعی داستان بدون کوچکترین دخل و تصرّف یا جانبداری مستقیم می‌پردازد. اما رمان واقع‌گرا، حوادث و وقایع و شخصیّت‌ها را به تصویر می‌کشد و طبق خواسته‌ها و رویکردهای ویژه انتخاب می‌شود. به طور مثال، عبدالرحمن منیف از عنوان‌های نمادین برای رمان خود بهره می‌جوید، و شاکر النابلسی بر این باور است که عنوان‌هایی که منیف برای رمان‌های خود برمی‌گزیند رمزی است. پس أخدود نماد چاله‌ای است که مردم موران به خاطر سیطرهٔ طبقه بورژوازی ثروتمند در آن واقع شده‌اند و بخش زیادی از ثروت بیابان به شکل‌های متعدّدی هزینه می‌شود که مردم صاحب هیچ نفعی از آن نیستند (النابلسی،1991: 59). نگارندگان در سطح توصیف و بافت بیرونی رمان به مباحث مرتبط با ساختار متن می‌پردازند و بافت بیرونی در انگاره‌های زیر متجلّی است:

1-2-3. تکرار

تکرار مظهر اصلی اتّحاد دالّ و مدلول در متن ادبی است. آن اسلوبی است که برای بازگردانی کاربرد کلمه یا عبارت با لفظ و معنای خود در موضع دیگری یا در سیاق یک متن ادبی آورده می‌شود (أبوشوارب، 2005: 163). و همچنین تکرار با این مفهوم شناخته می‌شود که: تکرار یکی از عناصر منسجم معجمی است و بر اساس نظر شارول (Charoell) جزو روابطی محسوب می‌شود که میان روابط زبانی ارتباط برقرار می‌کند، پس قاعده تکرار گفتمانی، استمرار در گفتار را می‌طلبد تا جایی که سخن از چیزی با محافظت از توصیف نخست یا با تغییر آن توصیف ادامه می‌یابد و تکرار برای تأکید دلیل و توضیح آن می‌آید (بوقرة،2010: 100). عنصر نفت از الفاظی است که در رمان مدن الملح به ویژه در بخش أخدود تکرار می‌شود. عبدالرحمن منیف رمان را با استخراج نفت در منطقه موران و حرّان آغاز می‌کند و این مفهوم در رمان نخست در حال تکرار است: «حتّى بعد أن بدأ النفط يتدفق، وأخذت تصل البواخر إلى حرّان كلّ يوم، لتحمل آلاف الاطنان كلّ ساعة، لم تحسّ موران بذلک إلّا احساساً غامضاً، إذ ظلت دائماً تنتظر مطراً لا يأتي» **(منیف، 2005 :27). در این رمان نویسنده ابتدای کلام خود را با مناطق نفتی عربستان آغاز می‌کند و با**

نفت به پایان می‌رساند در ساختار رمان‌نویسی منیف مکان نفتی به عنوان عاملی مکمّل یا زینتی به شمار می‌رود، ولی آن همانند عاملی سرنوشت‌ساز و محوری در پیشرفت حوادث برجسته است. عبدالرحمن منیف از واژگان موران و حرّان به عنوان ابزاری برای تثبیت مفهوم آن در ذهن مخاطب است تا به تضاد حاکم بین سال‌های پیشین این مناطق و اوضاع زندگی مردم آنجا که در فقر و فلاکت به سر می‌بردند و اکنون که به یُمن اکتشاف نفت و دخالت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها توسعه یافته است، اشاره کند.

2-2-3. مکان

نویسنده در این رمان به موضوع مکان به شکل ویژه پرداخته است و بدان اهمیّت زیادی داده است تا جایی که مکان نقش قهرمان را ایفا می‌کند؛ یعنی مکان در قامت یک شخصیت ظاهر می‌شود و کاربرد آن به جز عنصر مکان، عنصر شخصیت هم هست که برای کمک به تشکیل حوادث داستان آورده شده است. این مکان یا زاییده ذهن نویسنده است یا چیزی دیگر که به صورت نمادین به کار رفته است. دو منطقه موران و حرّان دو مکان خاص موجود در رمان عبدالرحمن منیف هستند (النابلسی،1991: 237). روابط قهرمانان نسبت به مکان در بعضی از اوقات، نتایج مختلفی از تصویرهای آماده است؛ همانگونه که در رویارویی آمریکایی‌ها با صحراء مشهود است که برای آنها همانند جهنّم بود که در آن همانند حیوان‌هایی نشان داده می‌شوند که با آتش محاصره شده‌اند و هر کدام به سمت و سویی می‌دوند و فریاد می‌زنند و با یگدیگر در حال جنگ هستند. شهر موران و حرّان از مکان‌های مهمّ کشف نفت محسوب می‌شوند، در حالی که آن دو شهر پیش از استخراج نفت، هیچ اسمی در تاریخ عربستان نداشتند: «بدت موران في تلک الأيام المبكرة من فصل الربيع غارقة في الصمت و التأمّل، و كأنّها لاتنتظر شيئاً، لكن العين النافذة ترى في صمتها انتظاراً أو بقية من ترقب و ترى هذا السكون حذراً مخادعاً» **(منیف، 2005: 5). منیف ملّت مظلوم موران را به تصویر می‌کشد با زندگی سختی دست و پنجه نرم می‌کنند:** «موران في تلک السنين التى اعقبت منتصف القرن، لاتزال بعيدة منسية: لم تبلغ المدينة و ان تجاوزت القرية، فهي أقرب البلدات الكثيرة المنتشرة على طرق التجارة أو في الواحات الكبيرة الناس يعيشون حياة متواضعة، أقرب إلى الخشونة» **(منیف، 2005: 23).**

3-2-3. تصویر رمان

از دهه پنجاه در جهان عرب ، تلاش برای آزادی نفت از سیطره غربی شروع شد. شرکت‌های نفتی غربی بر اکتشاف و تولید و بازاریابی آن تسلط داشتند. این تلاش در چارچوب جنبش‌های آزادی عربی بود. فعالیّت‌های شرکت‌های نفتی با سلطه بیگانگان و استعمار و تقسیم سرزمین‌های عربی توسط کشورهای ابرقدرت ارتباط دارد. همچنین دعوت به آزادی ملّی و قومی با دعوت به استقلال ملّی نفت و کاربرد آن به عنوان سلاحی نافذ در

پیکار با استکبار در روند سازندگی و توسعه بسیار مؤثر است (رشید،2015: 201). عبدالرحمن منیف در این رمان تصویری از شخصیّت اصلی ارائه می‌دهد و در توصیف او اینگونه می‌گوید: «الرجل الأوّل الذي عرفته بعده جاء به الحكيم نفسه. لم يكن ذلک الفتى الذي يسكن مقابل بيتهم في طرابلس، و الذي كان يروق لها ان تراقبه ساعات و ساعات من وراء ستارة نسف مسدلة، و هو يدرس، و هو ينزع ثيابه، و هو يقوم بتمارين رياضية. كانت تشتهيه، كانت زفراتها حارقة حين ترى صدره العاري و ترتبک حين تراه في الشارع» **(منیف، 2005: 52). منیف، تصویری زنده از مرد را ترسیم می‌کند و به توصیف شخصیّت و روحیات او می‌پردازد. این توصیف با جمله‌های حالیه مثل** «و هو يدرس/ و هو ينزع ثيابه/ و هو يقوم بتمارين رياضية» **(در حالی که او درس می‌خواند و لباسش را در می‌آورد و به تمرین ورزشی می‌پردازد) تصاویری جذّاب از حالت آن شخص ارائه می‌دهد. همچنین منیف در یک جمله از فعل‌های متعددی بهره می‌جوید همانند** «كانت تشتهيه/كانت حارقة/ ترى/ ترتبک/تراه» **و این فعل‌ها دارای مقاطع صوتی و آوایی در حرف (ت) بوده که میان جمله‌ها تکرار شده و تصویر جالبی از آن مرد به ذهن مخاطب القاء می‌نماید.**

3-3. تبیین

تبیین، مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد: اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. در این سطح، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخ، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادها و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. هدف از تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، با توصیف گفتمان به عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌کنند؟ در مقابل، گفتمان‌ها در بازتولید یا تغییر آن ساختارها چه تأثیراتی دارند؟ دانش زمینه‌ای، واسطهٔ بین تعیین اجتماعی و این تأثیرات است؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند و دانش زمینه‌ای به نوبهٔ خود، شکل دهندهٔ گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها هم با حفظ یا تغییر این دانش زمینه‌ای تأثیراتی بر ساختارها می‌گذارند. منظور فرکلاف از ساختارهای اجتماعی مناسبات قدرت است و هدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی، فرایندها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است. بنابراین، تبیین عبارت است از: دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (فرکلاف،1379: 245). رمان مدن الملح سرشار از فرهنگ‌سازی و حس ناسیونالیستی است، امّا در آن حالتی از غربت‌گزینی است که انسان معاصر عربی از آن رنج می‌برد.

4-3. ایدئولوژی

از دیرباز نفت در توسعه جامعه بشری و موفقیت انسان تأثیرگذار بوده است. امروزه نفت نقش بارزی را در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی در کشورها ایفاء کرده است. رابطه میان نفت و سیاست همانند رابطه نفت و اقتصاد است. نفت کشورهای عربی پیوسته محوری استراتژی برای آمریکا در کنار محافظت از امنیت اسرائیل شکل دارد. عبدالرحمن منیف این رمان را بر اساس نفت و أهمیّت آن در سرزمینش نوشته است. ابتدای مدن الملح با داستان «التیه» در منطقه وادی العیون است، و مردم با سادگی تمام زندگی بیابان‌نشینی دارند و در این محیط ناگهان گروهی از آمریکایی‌ها در کاری خطرناک ظاهر می‌شوند. متعب هذالی به آنها شکّ کرده و در برابرشان ایستادگی می‌کند. و متعب به روش نیاکان پیشین خود که از منطقه در برابر ترک‌های عثمانی دفاع می‌کردند، مبادرت به دفاع می‌کند.

5-3. تفسیر

از نظر فرکلاف، نمی‌توان از طریق ویژگی‌های صوری متن، مستقیماً به تأثیرات ساختاری این ویژگی‌ها بر شالوده‌ی جامعه دست یافت؛ زیرا رابطهٔ متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است. اینجاست که ضرورت تفسیر مطرح می‌شود تا متن بر اساس مفروضات عقل سلیم، که به ویژگی‌های متن ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر شود. تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر مفسر، ویژگی ظاهری متن در حقیقت به منزله‌ی سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود. البته باید توجّه داشت که اصطلاح «دانش زمینه‌ای» نباید مانع از آن شود تا جنبه‌های ایدئولوژیک پیش‌فرض‌های عقل سلیم را فراموش کنیم (فرکلاف،1379: 215).

6-3. بافت موقعیتی مدن الملح

رمان مدن الملح یکی از مشهورترین رمان‌های عربی محسوب می‌شود. رمان سخن خود را از اکتشاف نفت و تحولاتی گذرا آغاز می‌کند و تصویری از زندگی در شهرها و روستاهای شبه جزیره عربستان که به دلیل استخراج نفت به وجود آمده است، ترسیم می‌کند. رمان مدن الملح نوعی از روایت تاریخی و تاریخ خاصی از یک دوره را به تصویر می‌کشد. رمان از رابطه مهمی از زندگی بدوی سخن می‌گوید؛ از بادهای تمدّنی می‌گوید

که بدون شکّ بر زندگی آنها تأثیر گذاشته است. منیف با دقّت زندگی مردمان سرزمین خود را رصد کرده و از ناگفته‌های درون و تفکّرات آن مردم سخن می‌گوید. این رمان از اقدامات سخن می‌گوید که بعد از اکتشاف نفت در جزیره عربی صورت گرفته است. عبدالرحمن منیف در بخشی از داستان به توصیف ساختار شهر جدید حرّان می‌پردازد، سپس تصویری از اهل سلطه و سیاستمدار را در بیابان نقل می‌کند. سرآغاز داستان با انتقال حکومت از پادشاه خربیط به فرزندش خزعل شروع می‌شود که همه تسهیلات را در اختیار آمریکایی‌ها قرار می‌دهد تا نقشه‌های خود را عملی کنند. شخصیّت اصلی این بخش از رمان مستشار جدید پادشاه «صبحی المحملجی» ملقّب به حکیم است. او لبنانی الأصل بوده و به عنوان یک پزشک به منطقه حران می‌آید، سپس با ماجراجویی به موران می‌رود تا به پست بالاتری دست یافته و نفوذش را بیشتر کند.

3-7. بینامتنی قرآنی

تعدادی بینامتنی قرآنی در رمان مدن الملح مرتبط با مسأله نفت آمده که قابل ذکر است: أخدود دلالت بر حالت سختی دارد که بر منطقه موران در نتیجه تغییرات گسترده وارد آمده است و بیانگر زندگی طاقت فرسایی است که اهالی موران از آن در رنج و عذابند و به همین خاطر با حقیقت هماهنگ است و عبدالرحمن منیف با کاربرد این عنوان و تحت تأثیر سوره البروج با مردم موران هم دردی می‌کند تا کمی از آلام آنها کاسته شود (مرشد، 1998: 30). که برگرفته از این آیه شریفه از سوره البروج است: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ قُتِلَ أَصْحَابُ الأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ» **(البروج/ 5-1).**

در داستان اصحاب أخدود آمده است که پادشاهی ستمگر و کافر، مردمان سرزمینش اسلام آورده‌اند پس دستور به أخدود دارد بنابراین در آن آتش را برافروخت، سپس دربان جهنم و سپاهیانش دستور دادند که هر مرد و زن مؤمن را بیاورند و آن را در آتش بیاندازند پس هرکس از دینش بازنگردد او را در آن می‌اندازند تا اینکه زنی همراه با نوجوانی می آید پس از اینکه در آن واقع شود، خودداری می‌کند، پس غلام به او می‌گوید: ای مادر صبر کن که تو بر حقّ هستی (الصابونی، 2009، 3 : 1482).

پُر واضح است که عبدالرحمن منیف زمانی که این رمان را می‌نوشت، داستان اصحاب أخدود را در ذهنش داشت، اگرچه در ابتدای داستان اشاره‌ای بدان نداشته و تصریح نکرده است. رابطه میان داستان اصحاب أخدود و این رمان زیاد واضح نیست، بلکه به تحلیل و تأمّل عمیق نیاز است، تا به رابطه بین آنها، دست یافت. مکان داستان همان سرزمین موران است، و موران به دلیل اکتشاف نفت تغییرات زیادی کرده و به شهر صنعتی و پیشرفت‌های تبدیل شده است و بافت اصلی و سنتی خود را از دست داده است. اینکه در موران أخدودی دیگر

است گویا که شهر از هم شکافته شده و به دو بخش جداگانه تقسیم شده است؛ بنابراین، از هویتش جدا شده و اهل موران همان قربانیانی هستند که پس از آسیب اکتشاف نفت عذاب دیده و گرسنگی کشیده‌اند، و آمریکایی‌ها در آنجا حکمرانی می‌کنند. آن بخش از موران که نپذیرفته دین و عادت و فرهنگش را تغییر دهد، به سرنوشت اصحاب أخدود دچار شده است. مردم موران که سرزمین و میراث خود را حفظ نموده‌اند، بعد از استخراج نفت به حاشیه رانده می‌شوند. منیف میان اصحاب موران و اصحاب أخدود شباهتی بی‌بدیل می‌آفریند و همچنین میان پادشاه ظالم و سلطه صاحب منصبان در شهر موران که آمریکایی‌ها را در دستیابی به اهدافشان کمک می‌کنند بازآفرینی کرده است. منیف از تناص ادبی کلام فیلسوف آلمانی «شغل الدنيا وملأ الأسماع» **استفاده می‌کند و اینگونه بدان اشاره دارد:** «إنَّ الأمير خالد المشاري، اثناء بناء دار الامارة في حران، كان يتفقد البناء كلّ يوم، ويدقّ على الجدران ويطلب زيادة الاسمنت، وكان نائبه يملأ البراميل. وضحک بسخرية وهو يستعيد تلک الصورة، وبعد قليل أضاف: الكبار للكبيرات، يا صاحب الجلالة، أو كما قال فيلسوف ألماني شغل الدنيا وملأ الأسماع: العظيمات للعظام» **(منیف، 2005: 71).**

8-3. بافت داخلی رمان مدن الملح

1-8-3. خیال

کولریدج بر این باور است که خیال نیرویی جادویی است که میان صفت‌های متنافر ارتباط منسجم ایجاد می‌کند و اشیاء قدیمی و معمول را با چشم‌انداز جدیدی آشکار می‌کند (غریب،1971: 28). خیال بیانی ملکه گونه است که ادباء به وسیله آن می‌توانند تصویرشان را شکل دهند و «ورد زورت» درباره خیال می‌گوید: «خیال نیرویی شیمیایی است که عناصر جدا از هم در اصل و پایه با یکدیگر در هم می‌آمیزند و نقاط اختلاف زیادی دارند همانگونه که مجموعه‌ای منسجم و استوار می‌گردد» (ضیف، د.ت: 167). منیف در رمان «تقاسيم الليل و النهار» **به چگونگی دستیابی سلطان خربیط به قدرت و سلطنت با حمایت بریتانیایی‌ها اشاره می‌کند که بر علیه دشمنان پیشین خود در جزیره عربستان به پا خاست. منیف به توصیف داخل کاخ و زنان آنجا می‌پردازد و شخصیت اصلی بیگانه (شخصیت مستشار انگلیسی هاملتون) را وارد داستان می‌کند که برای به منصب با پادشاه درگیر می‌شود. حوادث این رمان تکمیل کننده حلقه کار بورژوازی موجود در قبل است. منیف از خیالش در توصیف شب نمادین بهره می‌جوید: شب در صحراء همانگونه که هاملتون آن را میبیند:** «يجعل الناس شديدي الاستعداد لأن يفتحوا عيونهم وآذانهم وحتى أنوفهم» **(منیف، 2005 :76). همچنین به تصویر جذّابی می‌پردازد و آیرونی تصویری از گفتار شمران به ما نشان می‌دهد که تمسخّر و تضاد و تهکّم از کلام** «أنت سلطان السلاطين و أنت هبة الله للعالمين» **استنباط می‌گردد گویا**

منیف با این گفتمان او را به باد تمسخر می‌گیرد و این چنین می‌گوید که تو شاهنشاه هستی و تو ارمغانی از سوی خداوند برای جهانیان هستی: «فقد قال شمران كلمة استقرت في قلوب الكثيرين و عقولهم: اسمح لی یا جلالة السلطان أن أقول ما يجب أن يقال: أنت سلطان السلاطين، و أنت هبة الله للعالمين. بمجيئک الخير جاء بعد العذاب و الإنتظار و بعد ذل السؤال. موران كانت نسياً منسياً، كانت مكاناً قصياً، لايأتيها الّا ضالّ هارب و لايبقى فيها الّا قويّ محارب. أمّا بعد أن جئت و جاء الخير و بعد أن أمسكت بالرمل فتحوّل إلى ذهب» **(منیف، 2005: 28).**

2-8-3. فکر و ایده

برای هر رمانی ایدئولوژی و دیدگاهی است که موضع اصلی رمان و هدف حقیقی نویسنده از نوشتن رمان را تبیین می‌کند؛ زیرا هر رمان بر مبنای اندیشه‌ای شکل می‌گیرد و نویسنده با کمک اجزاء ساختاری برای رمان می‌آفریند تا آن اندیشه به آفرینش ادبی تامّ تبدیل گردد. رمان «مدن الملح» نمادی از شهرهای پوچ و خالی است که در برابر باران ضعیف مقاومت نمی‌کند و زمین شوری است که در آن گیاهی رشد نمی‌کند و آب شور آن برای نوشیدن و آبیاری به هیچ دردی نمی‌خورد. اندیشه غالب بر این رمان، بیداری ملّت عرب از خواب غفلت و دفاع از حقّ و حقوق خود در برابر پادشاه ظالم است. رمان «تقاسيم الليل و النهار» **به حوادث تقسیم شده در شب و روز می‌پردازد. در شب توطئه‌ها و ترورها و دسیسه‌های متعدّی رخ می‌دهد، و شخصیت خربیط می‌تواند شبانگاه موران را بازگرداند، و بر حویزه و تپه‌های آن مسلّط شود. مکر و خدعه زنان و قتل خدمتگزاران با سمّ یا خفگی، و کشتار حیوانات، و کناره‌گیری توطئه‌گران از حکومت، همه این موارد شبانگاه اتفاق می‌افتد و این همه قتل و جنایت در تاریکی شب و به دور از چشم مردم رخ می‌دهد؛ زمانی که پادشاه هاملتون را ملاقات می‌کند آن نیز در شب اتفاق می‌افتد، اما در هنگام روز، تمام جشن‌ها و شادی‌ها و مناسبت‌های فرخنده و میمون رخ می‌دهد؛ جشن‌هایی که به مناسبت ورود پادشاه جدید برگزار می‌شود، یا هنگامی که یکی از فرزندان پادشاه مرد بزرگی می‌شود و زمان ازدواجش فرا می‌رسد، یا هنگام بازگشت از جنگ، و حتّی زمان دیدار برخی از میهمانان خارجی با پادشاه، همگی در هنگام روز برگزار می‌گردد.**

منیف در رمان «بادية الظلمات» **پرده از نقاب استعماری حاکمان ظالم عربستان برمی‌دارد تا ثابت کند که استعمار پیوسته در سرزمین‌های عربی چنبره زده است و با وجود اینکه بیگانگان با ارتش خود از وطن عربی کوچ کرده‌اند، اما اندیشه و افکار و ابزارهایشان در آنجا باقیمانده و بر پیکر ملّت عرب در حال تیشه زدن است. مفهوم (**بادية الظلمات**) بر حالتی از کورکورانگی دلالت دارد که بر سکونتگاه‌های انسانی در شهرها حاکم است. از آنجا که**

به اعدام و مرگ منجر شده است. فقر و فلاکت با اشکال متعدّد در این سکونتگاه‌ها پدیدار شده و از بادیة الظلمات **چاهی عمیق و نجات نیافتنی ایجاد کرده است.**

4. نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش حاصل آمد به شرح زیر است:

- **نظریه تحلیل انتقادی گفتمان یکی از روش‌های چند تخصصی در علوم انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود. این نظریه به تولید و توسعه ایدئولوژی اهتمام ورزیده و در سطوح عالی از نظریه علمی و تطبیقی به بررسی متون می‌پردازد.**
- **متون جدید و به ویژه رمان، نقش چشمگیری را در تغییرات فرهنگی و اجتماعی داراست و تحلیل گفتمان یکی از مهمّ‌ترین ضرورت‌های غالب در ادبیات معاصر است.**
- **منیف در سطح توصیف به کاربرد واژگان یا مفاهیم تکراری، مکان، فعّالسازی جایگاه میان الفاظ برای تبیین اندیشه‌اش، و در سطح تفسیر به کاربرد تناص و بافت موقعیتی برای تبیین نظریات و بیان روند نفت در عربستان سعودی پرداخته است و در سطح شرح، از گفتمان غالب یعنی نفت، آزادی و وطن سخن می‌گوید.**
- **از زمان ظهور نفت در بیشتر سرزمین‌ها و به ویژه در خاورمیانه نویسندگانی همچون عبدالرحمن منیف پیرامون موضوعات اقتصادی از جمله نفت پرداختند تا با بیداری مردم استثمار پادشاهان جور پیشه را خنثی سازند.**
- **منیف با انتقاد از حکومت فاسد عربستان، سودجویی‌های آنها در منطقه موران و حرّان را دارای مردمانی فقیر و مستمند است به تصویر می‌کشد.**
- **نفت یکی از عناصر حیاتی در رمان مدن الملح عبدالرحمن منیف است که با استراتژی خاصّ محور هر پنج رمان خماسیه محسوب می‌شود، گویا تکرار مفهوم نفت و استبداد، و مکان (موران و حرّان)، و تناص به اقوال تاریخی و قرآنی، و خیال و اندیشه محور اصلی برای نفت است و منیف بدون هیچ ترسی از پادشاهان مستبد سعودی در برابرشان می‌ایستد و امور سیاسی‌شان را در مناطق عقب مانده موران و حرّان افشا می‌کند.**

كتابنامه

القرآن الكريم.

١) أبوشوارب، مصطفى. (2005). جماليات النصّ الشعرى. الإسكندريۀ: دار الوفاء لدنيا الطباعۀ و النشر.

٢) بوقرۀ، نعمان. (2010). المصطلحات الأساسيۀ فى لسانيات النصّ و تحليل الخطاب. عمان: جدار للكتاب العالمى للنشر و التوزيع.

٣) رشيد، مهدى أحمد. (2015). جغرافيا النفط. فى غير محله: الجنادريۀ للنظر و التوزيع.

٤) روس، مايكل إل. (2014). نقمۀ النفط؛ كيف تشكّل الثروظ النفطيۀ تنميۀ الأمم. ترجمۀ محمد هيثم نشواتى. قطر: منتدى العلاقات العربيۀ و الدوليۀ.

٥) سعيد، محمد على. (1982). بريتانيا و ابن‌سعود. الرياض: دار الجزيرۀ للنشر.

٦) الصابونى، محمدعلى. (2009). صفوۀ التفاسير. المجلد3 . القاهرۀ: دار التراث العربى للطباعۀ و النشر.

٧) ضيف، شوقى. (د.ت). فى النقد الأدبى. القاهرۀ: دار المعارف.

٨) غريب، روز. (1971). تمهيد فى النقد الأدبى. بيروت: دارالمكشوف.

٩) فركلاف، نورمن. (1379). تحليل انتقادى گفتمان. ترجمه فاطمه شايسته و ديگران. تهران: مركز مطالعات و رسانه‌ها.

١٠)القاسم، نبيه. (2005). الفنّ الروائى عند عبدالرحمن منيف: المكان، الزمان، الشخصيۀ، رسالۀ دكتوراۀ. كفر قرع: دار الهدى للطباعۀ و النشر كريم.

١١)مرشد، أحمد. (1998). المكان و المنظور الفنّى فى روايات عبدالرحمن منيف. حلب: دار القلم العربى.

١٢)منيف، عبدالرحمن. (2005). التيه. بيروت: المؤسسۀ العربيۀ للدراسات والنشر.

١٣)ـــــــــــــــــ . (2005). الأخدود. بيروت: المؤسسۀ العربيۀ للدراسات والنشر.

١٤)ـــــــــــــــــ . (2005). المُنبت. بيروت: المؤسسۀ العربيۀ للدراسات والنشر.

١٥)ـــــــــــــــــ . (2005). تقاسيم الليل و النهار. بيروت: المؤسسۀ العربيۀ للدراسات والنشر.

١٦)ـــــــــــــــــ . (2005). باديۀ الظلمات. بيروت: المؤسسۀ العربيۀ للدراسات والنشر.

١٧)النابلسى، شاكر. (1991). مدار الصحراء: دراسۀ فى أدب عبد الرحمن منيف. بيروت: المؤسسۀ العربيۀ للدراسات والنشر.

١٨)ون دايک، تئون. (1394). تحليل متن و گفتمان، ترجمۀ پيمان كى فرخى. آبادان: منشورات پرسش.

١٩)يارمحمدى، لطف اله. (1383). گفتمان شناسى رايج و انتقادى. تهران: هرمس.

مقالات

۱) احمدی ملایری، یداله. (1390). «صورة الآخر العربی/ الفارسی فی الروایتین الفارسیة و العربیة: أحمد محمود و عبدالرحمن منیف نموذجا». *مجله ادب عربی دانشگاه تهران*. شماره .3 صص363 – 386 .

۲) اصغری، جواد؛ نجفی حاجیور، مهران. (1391). «نقد کهن‌الگویی رمان حین ترکنا الجسر». *مجله ادب عربی دانشگاه تهران*. دوره 4 . شماره 1 . صص 248-231.

۳) باغجری، کمال؛ ملایری، یدالله ؛ رنجبران، نسرین. (1399). «خوانش پسااستعماری پنج‌گانهٔ مدن الملح از دریچهٔ نظریهٔ چندآوایی باختین» *مجله ادب عربی دانشگاه تهران*. آماده انتشار.

٤) بغدادی، ابراهیم. (2016). «دلالة المکان فی روایة مدن الملح لعبد الرحمن منیف». *رسالة الماجستیر*. فی غیر محله: جامعة محمد بوضیاف.

٥) ربابعة، بسام علی؛ الزغلول، أحمد محمد. (1382). «الروائی الأردنی عبدالرحمن منیف و شرق الأوسط». *مجله ادب عربی دانشگاه تهران*. صص 156-139.

٦) شبستری، معصومه؛ عابدی، احمدرضا. (1390). «البناء الفنی فی خماسیة «مدن الملح» الروائیة لعبدالرحمن منیف». *مجله ادب عربی دانشگاه تهران*. شماره 4 . صص1 – 28.

۷) ناظمیان، هومن. (1395). «تحلیل خطاب أبی العلاء المعرّی فی رسالة الصاهل و الشاحج». *مجلة إضاءات نقدیة*. السنة السادسة. العدد 21 . صص 182-157.

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الرابعة، العدد ١٤، صيف ١٤٠٣

صص: 20-1

DOI: 10.22034/JRAL. 2025.563645.1085

تحليل الخطاب النقدي لمشكلة النفط الأيديولوجية في رواية «مدن الملح» لعبد الرحمن منيف من وجهة نظر نورمن فيركلاف

حسين حديدي [١]

مهرداد آقائي [٢]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤/٠٩/١١، تاريخ القبول: ١٤٠٤/١٠/٠٦)

الملخص

تحليل الخطاب هو أسلوب لدراسة أصل النصوص يتناول البحث في النصوص والخصائص اللغوية والاجتماعية والثقافية لها. الهيمنة والأيديولوجيا هما المستويان المهمان من الخطاب في وجهة نظر نورمان فيركلاف. المملكة العربية السعودية هي أكبر مصدر للنفط والغاز الطبيعي في العالم. عبد الرحمن منيف روائي سعودي، يسعى في كتاباته إلى الوحدة العربية والدفاع عن أرضه ضد الملوك الظلمة، وكأنه واعد بإيقاظ الأمة العربية، وفي رواياته خاصة في رواية مدن الملح يولي اهتماماً خاصاً لمسألة النفط. النفط كعنصر متماسك في رواية مدن الملح، ومنيف يدعو الناس لمواجهة الملك المستبد في مدينتي موران وحران. تهدف هذه الدراسة إلى تحليل رواية مدن الملح من جميع الجوانب المتعلقة بمفهوم تحليل الخطاب في المسألة الأيديولوجية للنفط، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، لتحليل موقع النفط في الرواية وموقعه و دوره الرئيسي في المستويات الثلاثة لتحليل الخطاب في وجهة نظر نورمان فيركلاف. ومن نتائج هذه الدراسة أنه على مستوى الوصف، استخدم عبدالرحمن منيف الكلمات أو المفاهيم المتكررة والمكان وتفعيل الموضع بين الكلمات لشرح أفكاره وعلى مستوى التفسير، باستخدام التناسب والسياق الظرفية لشرح النظريات والتعبير عن الاتجاه النفطي في السعودية.

الكلمات المفتاحيّة: الرواية، الخطاب النقدي، النفط، عبد الرحمن منيف، مدن الملح، نظرية فيركلاف.

---

١. أستاذ مشارک، قسم اللغة العربية و آدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة پيام‌نور، طهران، إيران، البريد الإلكتروني: hadidi660@gmail.com

٢. أستاذ مشارک، قسم اللغة العربية و آدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة محقق أردبيلي، أردبيل، إيران، البريد الإلكتروني: M.aghaei@uma.ac.ir (المؤلف المسؤول).